تبیین شاخص های انسان طراز جمهوری اسلامی ایران

دکتر غریب فاضل نیا :عضو هیئت علمی دانشگاه

سنگ بنای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

تاریخ تجربی توسعه بیانگر این واقعیت است که توسعه در جوامعی رخ داده و یا رخمی دهد که انسان های آن جامعه از باورها، ارزش ها و نهادها و کردار های هم راستا با آرمان ها، هنجارها، و اهداف اگوی توسعه متعارف و به عبارتی پیش برنده برخوردار باشند. این باور قطعی نیز از اینجا منشاء می گیرد که تحقیقات و مطالعات نیز نشان می دهد، توسعه و پیشرفت، نیاز به محیط نو و انسان نو نیاز دارد. انسانی که نسبت به گذشته خود دچار تحول شده باشده باشد. لذا چنین انسان متحولی است که می تواند، محور توسعه قرار گیرد.

قاعدتاً ساخت چنین انسانی نیازمند یک ساختار نظام مند و کارآمد می باشد که در ساختار نهادی و اداری کشور ایران ،این مسئولیت مهم بر عهده نهاد های متولی امور آموزشی، تربیتی و پرورشی کشور می باشد. این موضوع اهمیت و رسالت خطیر نهادها و دستگاه های متولی آموزش، تربیت و پرورش انسان طراز جمهوری اسلامی را گوشزد و دوچندان می کند. بر این اساس، از جمله مهمترین و اساسی ترین اهداف متعالی سطوح مختلف نظامهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی کشورما - متناسب با مبانی و اصول تربیتی ایرانی -اسلامی و در طراز جمهوری اسلامی-خلق و تربیت انسانهایی است که متخلص به خصلتهای والای شخصیتی وانسانی در راستای ساخت جامعه آرمانی ایرانی -اسلامی می باشد.

مطالعه سیر تغییر و تحولات و نیز اقدامات ذیربط نشان می دهد، از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، جهت توسعه همه جانبه کشور، اهدافی از جمله پرورش انسان با ارزش های والا ، تقویت روحیه احترام به قانون و حقوق انسان ، تحقق و گسترش حس وظیفه شناسی ،ایجاد زمینهٔ مناسب برای مشارکت عامه مردم، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی و مواردی از این قبیل که برخی از شاخص های شاکله انسان طراز جمهوری اسلامی را در بر می گیرد، مورد توجه قرار گرفت و بطور کلی در سند برنامه های توسعه اقتصادی ،اجتماعی و فرهنگی کشور جایگاه ویژه ایی برای مقولاتی اینچنین، قائل شده اند. گرچه این به خودی خود نشان ازاهمیت قائل شدن برای این موضوعات است، اما جای تأسف است که بگوییم از آن زمان تاکنون جایگاه این عوامل و مؤلفه ها هیچگاه در توسعه بدرستی تبیین نشد و جهت عملیاتی کردن آنها برنامه ریزی مناسبی صورت نگرفت. لذا سئوال اساسی و بنیادینی که در این ارتباط قابل طرح می باشد، این است که اساساً انسان طراز جمهوری اسلامی ایران واجد چه ویژگی ها می باشد؟ و چه شاخص هایی می توان برای انسان طراز جمهوری اسلامی برشمرد؟ بر این اساس محقق با درک اهمیت و ضرورت مسئله و با رویکردی تبیینی - تحلیلی در صدد تبیین اهمیت ها، ضرورتها ،ویژه گی ها و شاخص های انسان طراز جمهوری اسلامی ایران با خصلت های والای شخصیتی به عنوان گامی اساسی و بنیادین در تدوین الگوی اسلامی -ایرانی پیشرفت در ایران برآمد. در این راستا محقق تلاش کرده است تا با کنکاش در متون علمی و نیز بهره گیری از مشورت صاحب نظران ذیربط تعداد ۵۸ مورد از مهمترین ویژه گی ها و شاخص های انسان طراز جمهوری اسلامی ایران مشخص و معرفی نماید.

برخی از مهمترین شاخص های انسان طراز جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل معرفی می شوند:

۱ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که دارای ارزش های متعالی و آرمانی می باشد و وقار پایدار دینی خود را در اندیشه و عمل و گفتار نشان می دهد.

۲ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که ذهن او به حال و آینده بیشتر از گذشته متوجه است (آینده نگری و دور اندیشی).

۳ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که تقسیم زمان به ساعات ثابت را بپذیرد(حساسیت به زمان).

۴ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که قاعده نقد منصفانه را می داند و با آغوش باز از انتقاد سازند، و مشفقانه دیگران استقبال می کند.

۵ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که دارای ذهن مجموعه نگر و جامع نگرباشد.

۶ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی بردبار، و صبور است و اندیشه های متفاوت را تحمل می کند.

۷ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی اهل محاسبه گری، دقت و محاسبه در بیان ، عمل و تصمیم گیری است. انسان طراز جمهوری اسلامی ایران همچنین به قابل محاسبه بودن جهان عقیده دارد.

۸-انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که دارای هنر کار جمعی است. وی هم در اندیشه و هم در مقام عمل به قواعد زندگی و کار جمعی پایبند است.

۹ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که به علم و تکنو لوژی بیشتر ،ایمان دارد.

۱۰-انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که همواره عشق به فراگیری دانش دارد.

۱۱ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که هنر شنیدن و هنر پاسخگو بودن را در حد اعلا دارد.

۱۲ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که دارای حافظه تاریخی هوشمندانه ای است و عبرت آمیزی از تجارب و سرگذشت پیشینیان را فراموش نمی کند.

۱۳ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران، حقوق خود را می شناسد و به حقوق دیگران آگاه محترم می شمارد.

۱۴ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که به سرزمین و موطن خود احساس تعلق خاطر داردو ،حس میهن دوستی او تحت هیچ شرائطی خدشته پذیر نیست.

۱۵ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی دارای مرام مردانگی و جوانمردی است.

۱۶ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی نواندیش، نوآور، و اصلاح پذیر است.

۱۷ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی دین شناس، دین باور و پایبند به اصول دینی و اخلاقی است.

۱۸ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است خوباور، خواتکا که دارای اعتماد به نفس بالایی است.

۱۹- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است سخت کوش، خستگی ناپذیر، و دارای دغدغه و جدیت در قبال خود و جامعه اش می باشد.

۲۰ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است صلح خواه و آرامش طلب.

۲۱- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که روح بالندگی و قناعت در او رشد مستمر داردو لذا عقلانیت رفتاری شاخصه بارز اوست .

۲۲- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: متمایل به برنامه ریزی، سامان دهی و سازمان دهی امور است و این را، نوعی راه و رسم اداره ی زندگی می داند.

۲۳- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که به حقوق و منزلت دیگران آگاه است و برای احترام نهادن به دیگران آماده تر، و در عین حال به شأن و عزت خود نیز آگاهی دارد.

۲۴ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: به آن گروه از مردم و مؤسسات اطراف خود اعتماد دارد که از عهده ی تعهدات و مسئولیت های خود برآیند و یا او به تعهدات خود نسبت به آنان فائق آید.

۲۵ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که معتقد به عدالت برای همگان است ، یعنی معتقد است که اجر و پاداش هر کس باید بر اساس تلاش و کاری که می کند باشد نه از روی هوی و یا هوس.

۲۶ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: در برابر عقاید دیگران جهت گیری آزاد اندیشانه تر دارد، از تنوع نظر ها و عقاید در اطراف خود بیشتر آگاه باشد و خود را اسیر این اعتقاد نسازد که همه، افکار و معتقدات مشابهی دارند و این افکار و اعتقادات درست مشابه افکار و عقاید اوست.

۲۷- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: نیازمند اختلاف عقاید و آگاهی از این اختلاف است و در عین حال نیازی ندارد که از بیم از هم پاشیده شدن جهان بینی خود با قاطعیت، عقاید دیگران را رد کند.

۲۸ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: دقیق، مرتب و در انجام امور منظم است.

۲۹- اگر انسان طراز جمهوری اسلامی ایران و انسان نو ،محور توسعه است، تمام تحقیقات علمی نشان می دهد که میزان نو گرایی افراد یک جامعه بستگی بسیار زیادی به افزایش مقدار آموزش آنان دارد و همبستگی بین این دو بسیار قوی است. لذا وی آموختن مستمر را رها نمی کند.

۳۰- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران به خوبی می داند بر خلاف گذشته که اختراعات به صورت فعالیت نا منظم اتفاقی پدید می آمدند، امروزه به صورت یک هنر و یک فرآیند نهادی در آمده اند. انسان طراز جمهوری اسلامی ایران در قرن حاضر در یافته است که اختراع را با ابداع توأم سازد و از این طریق امکان کاربرد عملی و مداوم اختراعاتی را که از لحاظ اقتصادی، قابل استفاده هستند، فراهم می سازد.

۳۱- در جوامع توسعه یافته، انبوهی از اطلاعات جزیی و فنی یکجا گرد آوری شده اند و پردازش آنها با اختراعات و نوآوری های چشمگیر تر و اغلب با آهنگی شتابان به پیشرفت علوم و فنون و در نهایت به توسعه کمک می کند، انسان طراز جمهوری اسلامی ایران آن توانایی را کسب کرده است که به پردازش اطلاعات پرداخته واز آنها استفاده کند، از فرآیند نوآوری ها بهره بگیرد و خود به انسانی نوآور تبدیل شود.

۳۲- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که آمادگی ذهنی و روانی برای کسب تجارب جدید را در حد اعلا دارد.

۳۳- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که به عقاید و نظرات گوناگون در مورد مسایل و موضوعات محیط اطراف و خارج از حیطه زندگی فردی توجه و عنایت دارد.

۳۴- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: معتقد است آدمی می تواند بطور اساسی بیاموزد که به جای اینکه تحت سلطه محیط باشد برای رسیدن به مقاصد و هدف های خود بر محیط مسلط شود. در واقع انسان طراز جمهوری اسلامی ایران به توانایی خود در تسلط بر طبیعت برای پیشبرد مقاصد و اهداف خویش و در چارچوب نظریه مبنایی توسعه پایدار ایمان و یقین دارد.

۳۵- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که به توزیع پاداش ها بر اساس مهارت ها و آگاهی ها ایمان دارد.

۳۶ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: شهروندی مشارکت جو و آگاه است، در واقع انسان طراز جمهوری اسلامی ایران، انسانی است که آگاهانه تصمیم می گیرد و مسئولانه در امور مشارکت فعال دارد.

۳۷- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران نسبت به انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت و تعهد کامل می کند.

۳۸- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی مستقل، خودمختار، و در عین حال اهل مشورت با دیگران است.

۳۹ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی روشنفکر و اهل فکر و عمل توام با تحقیق و اطلاع است.

۴۰-انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی جستجو گر و پرسشگراست و سئوال را مقدمه حل مسئله می داند.

۴۱- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی قابل انعطاف و میانه رو واز نظر شخصیتی واقع گرا می باشد.

۴۲- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران به معنای واقعی ایثارگر و دارای روحیه بخشندگی و فداکاری است.

۴۳ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران به طور حتم خیرخواه خود و دیگران است و در امور عام المنفعه و خیرخواهانه پیشگام است.

۴۴- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که به قانون تمکین می کند و به قواعد عرفی و سنن متعارف و مورد پسند جامعه نیز احترام می گذارد.

۴۵- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که قابلیتها، امکانات، خواسته ها، و اهداف و علائق خود را می شناسد.

۴۶- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که در برابر وقایع و اتفاقات سخت زندگی احساس یأس و ناامیدی نمی کند.

۴۷ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که از زندگی بیشتر احساس رضایت و خوشی می کند و کمتر گرفتار نارضایتی و ناخوشی می شود. به عبارتی دیگر انسان طراز جمهوری اسلامی ایران، انسانی است که اصطلاحاً قسمت پر لیوان را هم می بیند.

۴۸- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که هم معتقد و هم قادر به برقراری ارتباطات و مناسبات دوستانه و صمیمانه با دیگران است.

۴۹- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که خود و دیگران را دوست می دارد و از محبت کردن به آنها دریغ نمی ورزد و حتی لذت هم می برد. لذا انسان طراز جمهوری اسلامی ایران، انسانی کینه جو ،بخیل، حسود و لجوج نیست و حتماً از این قبیل صفات ناپسند انسانی مبرا می باشد.

۵۰ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که پی به ماهیت وجودی خود برده و بد و خوب خود را می شناسد و قبول دارد.

۵۱- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که آلام و آشفتگی ها و ناراحتی های خود را به نحو قابل قبول و جامعه پسند آشکار می کند.

۵۲ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که به نحو مطلوبی بر رفتار و سلوک خود مسلط است و اصطلاحاً توانایی خود کنترلی دارد.

۵۳ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که هم در تنهایی، هم در جمع احساس شادی و خوشی می کند، البته شادزیستن و شادمانی کنترل شده و معقول و متناسب با عرف و قوانین جامعه پسند.

۵۴- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که واقعیت ها را همانگونه که هست می پذیرد.

۵۵- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که دیگران را تحقیر نمی کند و برای خود مزیتی خارج از آنچه مستحق آن است قائل نمی شود.

۵۶ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که اجازه نمی دهد تحت تسلط دیگران قرار گیرد و دیگران را هم تحت تسلط خود در نمی آورد. در واقع او نه به دیگران زور می گوید، نه حرف زور را می پذیرد.

۵۷- انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که اجازه تقویت به حالت هایی نظیر بدبینی، سوءظن، غرور، نخوت، رشک، حسد، خودخواهی و هیجان های منفی از این قبیل را در خود نمی دهد.

۵۸ -انسان طراز جمهوری اسلامی ایران: انسانی است که بطور یقین از کبر، ریا، تفاخر و نفاق به دور است.

سخن آخر و استمداد از همگان در جهت تکمیل و اضافه کردن موارد پیشنهادی به بند های فوق: نظر به اینکه در نظر است مجموعه مطالب جمع آوری شده در قالب کتابی با همین عنوان و مضمون به نگارش در آید، بدینوسیله از همه خوانندگان این مقال، صاحب نظران و اندیشمندان عزیز استدعا دارد در جهت تکمیل موارد مورد اشاره و احیاناً نقطه نظرات مرتبط محقق را در این تلاش علمی یاری رسانند.

حسب اطلاع، محقق در تاریخ ۱۲ تیرماه سال جاری در شهر خرم آباد و در همایش بین المللی "الگوی اسلامی جوان ایرانی" مقاله ای با همین مضمون را ارائه داد که در پایان به عنوان مقاله برتر انتخاب شد.

آیا اینها فرزندان آدمند؟...!

منوچهر حبیبی

هر سال با پایان سال تحصیلی مدارس و مراکز آموزشی صحبت از اوقات فراغت دانش آموزان به میان می آید . اوقاتی که متاسفانه در کل به هدر می‌رود و دانش آموزان کلافه و سرگردان هستند . گویا تابستان هم برای خانواده ها و دانش آموزان دردسرهای خودش را دارد. به راستی اگر به هریک از ما بگویند با هر کدام از حروف تابستان کلمه ای بساز چه می توانیم بگوییم؟ آیا هفت بار می گوییم کلاس ، کلاس ...کلاس ... کلاس... و کلاس... یا می گوییم ت مثل تفریح ،الف مثل استراحت ،ب مثل بازی ،س مثل سفر ،ت مثل تحرک، الف مثل اردو و ن مثل نشاط .

به راستی ما می توانیم کاری کنیم که بخشی از مدت تابستان فرزندانمان را دور از حال وهوای مدرسه و کلاس بگذارنند ؟ آیا بهترین راه برای خلاص شدن از مشکلی به نام تابستان کلاس است، کلاس های فوق برنامه کلاس هایی که بخشی از آنها جز برنامه آموزشی نظام آموزش و پرورش ماست . به راستی ما سال تحصیلی را طولانی تر نکرده ایم ؟ آیا در طول تابستان فرزندانمان را درگیر تمرین و تکرار درسهای تابستانی نکرده ایم ؟ یقینا برخی بسیار از این شیوه تابستان گذارنی فرزندان شان ناخشنود و حتی نگران هم هستند و پاسخی که می دهند این است که چکار می توانیم بکنیم ؛ هزینه های سفر آن قدر بالا رفته است که کمتر خانواده هایی می تواند برنامه یک سفر خانوادگی چند روزه را بریزد . بحث برخورداری از امکانات ورزشی همچون استخر و... برای بسیاری غیر ممکن است چون اصولا چنین امکاناتی یا وجود ندارند و یا اگر هم باشند آنقدر هزینه آنها بالاست که کمتر خانواده ای توان فرستادن فرزندانش را به این مکان‌ها دارد. متاسفانه کم کم عده ای از خانواده ها به این باور می رسند که ای کاش تابستان ها هم مدارس باز بودند تا این چنین فرزندان شان علاف و سرگردان نبودند. البته برخی از خانواده ها هم چاره کار را در پای بند کردن فرزندان پای تلویزیون و فیلم و ... و یا کامپیوتر دیده اند تا آنجا که نمی دانند که فرزندان شان پای تلویزیون چه می بینند و توی دنیای پر رمز و راز رایانه و اینترنت دنبال چه می روند و به چه برنامه هایی رو آورده اند . آخر سر هم داد و فریادشان به هواست که اینها فرزندان آدم هستند یا عروسک های دنیای مجازی ، اینها می‌خواهند با واقعیت آشنا شوند و زندگی کنند و یا در رویا و تخیلات سیر کنند. همیشه گفته اند که هر چه بکاری همان بدروی ، به راستی برای فرزندانمان چه هزینه ای کرده ایم و یا می توانیم بکنیم ؟ اگر پاسخ هیچ است نتیجه اش هم هیچ است . اما گاهی هیچ هم آرزوی برخی از خانواده هاست چرا که فرزندان شان را از دست داده اند و درگیر گرفتاریهای جورواجور هم شده اند . ای کاش طی این سال ها که مدام صحبت از برنامه ریزی برای اوقات فراغت دانش آموزان می شد واقعا دست به ابتکار و خلاقیت می زدیم و اوقات فراغت را با تفریح ،استراحت ،بازی ،سفر ،تحرک ،اردو نشاط در هم می آمیختیم . اما با آغاز هر تابستان همه ، کاسه ی چه کنم به دست می گیریم و تنها به دنبال کلاس می گردیم تا فقط بگوییم کاری کردیم، فقط فرزندانمان روزی دو سه ساعت از منزل خارج شده اند . باور کنید با برنامه ریزی می توانیم به فکر تابستان های فرزندان مان باشیم. فرزندانی که خیلی سریع رشد می کنند و حق دارند قبل از ورود کامل به زندگی و قبول مسئولیت های سخت و سنگین از دوران کودکی و نوجوانی و حتی جوانی خود لذت ببرند و خاطرات شیرین داشته باشند . شاید امکان سفر خارجی همچون برخی کشورهای عربی و غیر عربی برای فرزندان مان مهیا نباشد اما می توان برنامه ریزی کرد که به کمک وزارت آموزش و پرورش و سازمان های ایران گردی ، تورهای چند روزه که بخشی از هزینه های آن را خانواده ها و بخشی دیگر را دولت تقبل کنند امکان مسافرت و اردوهای تفریحی تابستانه را فراهم کرد تا فرزندان مان ، فرزندان ایران ، رو به ایران گردی بیاورند واز دنیای آثار باستانی و ابنیه های تاریخی و مکان های سیاحتی و زیارتی بازدید به عمل آورند. شاید کمی مشکل به نظر اید اما شدنی است در طول سال تحصیلی آن قدر برنامه های غیر درسی و غیر آموزشی داریم و گاه به اردوهای ناخواسته فرزندان مان را می فرستیم که از درس و مدرسه باز می‌مانند در حالی که با کمی تغییر و با مدیریت می توانیم فرزندان و دانش آموزان مان را در تابستان به اردوهای علمی، تفریحی و گردشی ببریم که نه تنها آسیبی به درس و مشق شان وارد نمی شود که بخشی از اوقات فراغت شان را هم پر می کنند . این برنامه ها را می توان در سطح دانشگاه‌ها و برای دانشجویان نیز تدارک دید اگر مردم (خانواده ها) و دولت برای فرزندان مان هزینه نکنندو جوانان و نوجوانان مان را با ایران و داشته های فرهنگی و باستانی و تفریحی و گردشگری آشنا نسازند. دیگران این کار را خواهند کرد. کسانی که نه تنها خیرخواه و دوستدار جوانان مان نیستند که به آنان به عنوان مشتری می نگرند مشتری انواع و اقسام محصولات فرهنگی مبتذل و البته مواد مخدر ! آیا بهترین دفاع ، حمله نیست ؟ آیا قبل از آنکه هزینه های سرسام آور زندان و مبارزه با مواد مخدر و ترک اعتیاد را بیشتر و بیشتر کنیم بهتر نیست برای حفظ سلامتی و نشاط فرزندان مان در دورانی که نیاز به توجه و تفریح و ... دارند وارد عمل شویم و کاری کنیم ، باور کنید آنچه طی این سال ها تحت عنوان پر کردن اوقات فراغت دانش آموزان انجام داده ایم تنها در برخی موارد بیش از نصب یک پلاکارد و در حد حرف و شعار نبوده است . زندگی در حال تغییر است و با تغییرات باید برنامه ریزی کرد. یقینا امروز بعد از پنج سال از سهمیه بندی سوخت و افزایش بهای کالا و خدمات بسیاری از خانواده ها حتی توان جابه جایی در سطح شهرستان و استان را هم ندارند با این وجود می توان کاری کرد که حداقل برای چند روزی فرزندان را از محیط زندگی (خانه ،مدرسه ، کلاس) دور کرد و آنان را با طبیعت آشنا کرد و کاری کرد که تابستان شان شیرین و پر خاطره شود. فرزندان مان حق دارند در طبیعت زیبای ایران و کنار سواحل و در جنگل ها و کوهستان ها به آرامش و استراحت و بازی بپردازند.

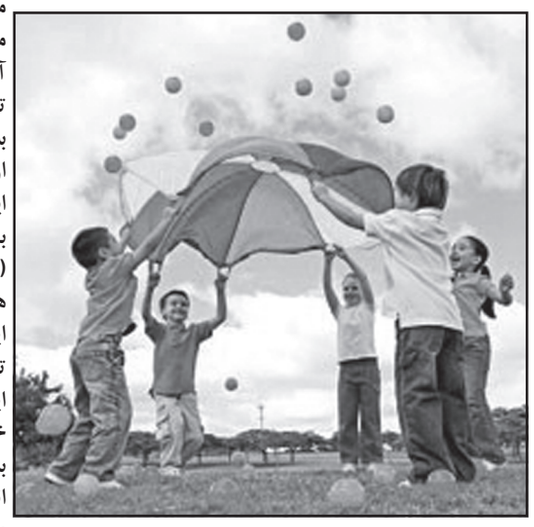

معلمان آگاه ، شاگردان توانا تربیت می کنند

بخش دوم : پایانی

دکتر داریوش دهقان
ایالت مریلند آمریکا
www.dariushdehghan.com

اگر مسئولان و مجریان این تعریف ساده را بپذیرند خواهند پرسید ویژگی های جزیی تر این انسان پیروزرا چگونه می توان پیدا کرد. پاسخ اینست که به زندگی خودتان مراجعه کنید. زندگی عملی و واقعی خودتان و آنهایی را که در جامعه جهانی موفق شناخته شده اند مورد مشاهده، تجزیه و تحلیل وبررسی مجدد قرار دهید.

برای یافتن ویژگی ها، سعی کنید معدودی از عمده ترین کسان یا چیزهایی را که در طول زندگیتان بطور پیوسته مهم ترین نقش ها را داشته و دارند بیاد آورید. هرچه زمان بیشتری گذرانده و باتجربه تر باشید، زودتر عمده ترین های زندگی را مشخص می کنید زیرا بارها از خود پرسیده اید اگر دوباره جوان می شدم زندگی را چگونه آغاز می کردم و به چه چیزهایی بهای بیشتری می دادم.

شاید نیاز به جستجوی زیادی نباشد که دریابید انسان مهم ترین نقش ها را در زندگی شما دارد. چرا که هستی شما از دو انسان است. با مهر و توجه آنها و دکترها و پرستارها زنده مانده اید، با یاری ایشان و معلمان و دبیران و استادان آموخته و فرهیخته شده اید.

از کار کارگران و کارمندان و متخصصان و مهندسان برای داشتن سر پناه، بهداشت و نظم و ترتیب سود برده اید. هنگام استفاده کردن از هواپیما، کشتی، اتوبوس، تلفن و تلوزون، کامپیوتر، از کار و کوشش و ابداعات هزاران انسانی بهره برده و می برید که قرنها پیش آتش، آهن، چرخ، جاده، کاغذ، برق، قوانین اجتماعی و مقدمات وسایل آسایش بخش امروزتان را فراهم نموده اند.

حتی هنگامی هم که ماهر، دانا، متخصص، پهلوان ،قهرمان و یا هنرمند بسیار مشهور و بی نظیری می شوید، باز نیازمند انسانها هستید که شما را تشویق کرده و شکوهتان را تایید کنند. با این مقدمه و کمی تجسم می پذیرید که ویژگی اول انسان یا سارا و دارای پیروزتر، آگاهی داشتن ازعظمت واهمییت انسان ها و پذیرفتن وابستگی شدید واجتناب ناپذیر آنها به یکدیگر می باشد.

به مجرد قبول ویژگی اول ویژگی دوم ظهور میکند. زیرا به خود می گویید اگر انسان (پدر، مادر، برادر، خواهر، همسر، فرزند، ایرج ، پروین، کاشف، مخترع، فیلسوف، نویسنده...) از اول تا پایان حیات درزندگیم نقشی سازنده، پایان نیافتنی و انکار ناپذیر دارد و می بینم که هستی و همه اسباب راحتی و آسایشم به وسیله او به وجود آمده، چه کارکنم تا بتوانم در گروه انسان ها پذیرفته شوم و با آنها مسالمت آمیزانه و همکارانه زیست کنم؟ بنابراین دارا بودن مهارتهای زیستن با انسان ها را ویژگی دوم ساراو دارای پیروزتر می دانید.

سالم نگهداشتن جسم و روان، قدردانی و سپاسگزاری، نگهداری پیمان و آنچه آداب معاشرت خوانده می شود جزء این ویژگی می شود و به حق مهارتهای زیستن با انسان، ازمهارتهای تخصصی برتری پیدا می کنند.

به رویدادهای غم انگیز زندگی روزانه خود و اطرافیان می نگرید و فقدان جمعی از آنهایی را که سخت گرامی می داشته اید مثل مادر بزرگ ها و پدربزرگ ها، احتمالا پدرها و مادر ها، معلمان و راهنمایان، پهلوانان و قهرمانان و الگوهای دوران کودکی که اکنون در گذشته اند، رنج و درستان می‌دهد.

مرگ آنها یکی از عمده ترین حقایق زندگی یعنی محدودبودن و کوتاهی عمر را بر شما آشکارترمی کند. درمی یابید که حتی اگر دعای مادر بزرگتان هم مستجاب شود و صدوبیست ساله بشوید بازهم وقتتان در دنیا کم است و عمرتان در برابر گذشت زمان و تاریخ چون جرقه ای بیش نیست.

بنابراین دانستن ارزش وقت و استفاده شایسته از آن برای رشد خویش، خدمت به مردم ورضایت درونی را ویژگی سوم سارا و دارای پیروزتر به شمار می آورید.

در جریان زندگی روزانه و مقایسه انسان ها، متوجه می شوید گروهی از آنها بسیارخوشرو و شادعمل می آنند، کارشان را دوست دارند و هرروز بر میزان مهارت حرفه ای خویش می افزایند، نو آورومبتکر می شوند، در طول ساعات کاری، نشانه های خستگی از خود نشان نمی دهند، احتیاج به پلیس و بازرس و ناظر ندارند و آثار و محصولاتشان دیرپا و موثر است، در حالیکه جمع کثیری برخلاف این گروه رفتارمی کنند. کاوش بیشتر نشان می دهد که گروه اول به کار خود علاقه داشته و در آن صاحب استعداد هستند. حسن رابطه، رفتار انسانی، ثمر بخشی اجتماعی، رضایت فردی آنها از یک طرف و خوشنودی مراجعان و باروری اجتماعی این گروه از طرف دیگر شما را متقاعد می کند که شناختن و پرورش دادن استعدادها و علایق برای رسیدن به کمال و خوشنودی فردی و خدمت موثر به مردم، ویژگی چهارم سارا و دارای پیروزتر می باشد.

چون به فرداهای خود می اندیشید درمی یابید که یکی از عمده ترین رقم زنندگان زندگی انسان امید و آرزوی او می باشد. زیرا درهمه دوران حیات با اوست، شادش می کند، به تلاشش وامی داردرشدش می دهد، و باورش می سازد. اما می دانید که امید و آرزو بصورت آرزو و رویایی دست نیافتنی باقی می ماند و گاه با آرزومند می میرد، اگر به هدف وعمل وبرنامه سالانه، ماهانه، هفتگی وروزانه تبدیل نشود.

بنابراین به کارگیری روش های درست هدف سازی و دست یابی به هدف هابرای پیشبرد خود و جامعه انسانی را پنجمین ویژگی سارا و دارای پیروزتر قلمداد می کنید. می پذیرید که زندگی موفقیت آمیزعملی این ویژگی های مهم، آزمایش شده و انکار ناپذیر را می طلبد. تقریبا زندگی هیچ انسان پیروزی را خالی ازاین ویژگی ها نمی بینید.

بنابراین آموزش عشق به انسان، مهارت های زیستن با او، آگاهی از ارزش وقت و راه های درست استفاده از آن، پرورش استعدادها و علاقه ها و مهارت ی هدف سازی و دست یابی به هدف را، مثل تنه و ریشه درختی، اصل و پایه تلاش های آموزشی خود قرار می دهید و همه آنچه از نظر قومی، سیاسی و مذهبی و تخصصی دارای اهمییت است برآن می افزایید تا تصویرمطلوبی از دارا و سارای پیروزتر بسازید. آنگاه براساس این تصویر کلی آموزش و پرورش می دهید، همکاری خانه و مدرسه را براین پایه استوارمی کنید و تا آنجا که بر رسانه های گروهی و وزارت خانه ها و سازمانهای تعیین کننده نفوذدارید این ویژگی هارا برجسته وخواستنی و همه گیر می سازید زیرا می دانید که تنها با اصل قراردادن این گونه ویژگی هاست که راه پیروزی شاگردان و پیشرفت جامعه جوانمان را هموار می کنید و هدف های آموزشیتان را بر آورده می سازید.